

ساخت و اعتباریابی آزمون تداعی ضمنی برای اندازه‌گیری هویت

* مهدی ناظمی

E-mail: andisheh.n94@gmail.com

** عباس ذبیح‌زاده

E-mail: zabihzadeh.a@gmail.com

** امیرجلال حاتمی

E-mail: a_j_hatami@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۰

چکیده

جامعه‌ی ایرانی در قرن بیستم تصویری از هویت اسلامی، ایرانی و مدرن است. هدف از مطالعه‌ی حاضر ساخت و اعتباریابی آزمون تداعی ضمنی (IAT) برای اندازه‌گیری هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن است. سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا ابزار طراحی شده از روایی و اعتبار مناسبی برای سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن برخوردار است؟ طرح تحقیق این مطالعه از نوع علی مقایسه‌ای و جامعه‌ی آماری آن دانشجویان ۱۹ تا ۳۰ ساله‌ی دانشگاه‌های شهر تهران است. ابتدا نمونه‌ای متشکل از ۱۰۰ دانشجوی جهت رواسازی آزمون تداعی ضمنی و در گام بعدی نیز ۸۰ دانشجوی دیگر آزمون تداعی ضمنی تهیه شده، مقیاس افسردگی، اضطراب و تنیدگی (DAS-21) و پرسشنامه‌های هویت اسلامی، ایرانی و مدرن را تکمیل کردند. نتایج نشان‌دهنده‌ی روایی بالای آزمون تداعی ضمنی و هم‌چنین پایایی بالای پاسخ شرکت‌کنندگان به این آزمون بود.

کلید واژه‌ها: آزمون تداعی ضمنی، هویت اسلامی، هویت ایرانی، هویت مدرن.

* عضو هیأت علمی گروه اندیشه و مطالعات فرهنگی دانشکده فرهنگی اجتماعی دانشگاه امام حسین (ع)

** دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده‌ی مسؤل

*** کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه و طرح مسأله

تبلور مفاهیم مربوط به نسبیّت باوری فرهنگی در مباحث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی سبب شده تا روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسان به شکل روزافزونی به مسأله‌ی فرهنگ توجه نشان دهند (ماتسوموتو، ۲۰۰۱: ۳۹)، تا جایی‌که از اهمیت فرهنگ برای یک جامعه با تمثیلی چون حافظه برای فرد، یاد کنند (مارکوس و کیتایاما، ۲۰۱۰: ۴۲۴). براساس دیدگاه این قسم از روان‌شناسان، مفاهیم روان‌شناختی اساساً جوهری اجتماعی دارند. بر همین اساس، این گروه‌های اجتماعی و فرهنگ‌ها هستند که اغلب همه‌ی وجوه زندگی انسانی را شکل می‌دهند (ماتسوموتو و جانگ، ۲۰۱۶: ۲۴). لذا یکی از مسائلی که بسیار مورد توجه این قسم از روان‌شناسان قرار دارد، مسأله‌ی «هویت» است. از این منظر، هویت به‌عنوان مفهومی اجتماعی، یک ساختار اجتماعی محسوب می‌شود که متأثر از فرهنگ است (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱: ۲۳۸). به عبارت دیگر فرهنگ حاکم بر یک جامعه منجر به شکل‌گیری و سازمان‌یافتگی هویت در نسل‌های گوناگون می‌شود. تفاوت نسلی نیز از این منظر که بیشتر به ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی دو گروه یا تجربه‌ی یک واقعه یا دوران تاریخی و سرنوشت‌ساز یا متمایزکننده مربوط می‌شود، درست یا نادرست، در جای خود بسیار مورد توجه قرار گرفته است، به‌ویژه در جوامع در حال گذر از فضای روان‌شناختی سنتی به فضای روان‌شناختی مدرن که تفاوت نسلی در آن به‌عنوان یکی از پیامدهای این گذر تلقی شده است (کوثری، ۱۳۸۷: ۶۷). این شکل از تفاوت نسلی را می‌توان در مباحثات و مناظرات هویت در فرهنگ ایرانی مورد جست‌وجو قرار داد. در ایران فضای روان‌شناختی حاکم بر شخصیت ایرانی مشتمل بر گرایش‌های ایرانی و اسلامی است که در شکل‌گیری هویت اسلامی و ایرانی تأثیرگذار است. در واقع هویت‌های اسلامی و ایرانی ویژگی‌هایی را به جامعه‌ی ایرانی می‌دهد که با دیگر جوامع چه غربی و چه شرقی متمایز می‌شود (ناظمی، ۱۳۸۹: ۳۲). اما با ورود مظاهر تمدن جدید و سبک زندگی وابسته به آن، گرایش‌های غربی یا مدرن نیز به آن اضافه شده است. این گرایش‌های جدید به شکل‌گیری هویت جدیدی به نام هویت مدرن منجر شده است که با ویژگی‌های ماتریالیستی و گرایش به فردگرایی و استقلال، ناهمخوانی‌هایی را با دو هویت اسلامی و ایرانی در گذشته دارد (حاتمی، ۱۳۹۰: ۴۶).

مروری بر ادبیات مربوطه نشان می‌دهد که اکثر تحقیقاتی که مسأله‌ی هویت را بررسی کرده‌اند از ابزارهای خود گزارش‌دهی (غالباً پرسشنامه) برای سنجش گرایش‌های هویتی استفاده کرده‌اند. اما تحقیقات اخیر در حوزه‌ی شناخت اجتماعی بر

این نکته تأکید دارند که پردازش اطلاعات اجتماعی در دو سطح کنترل شده و آشکار (هشیارانه، کنترل و عمدی) و خودکار و ضمنی (ناهشیار، خودکار و شهودی) صورت می‌گیرد (ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). مقیاس‌های خود گزارش‌دهی از جمله پرسشنامه‌ها که پردازش آشکار را بررسی می‌کنند، در معرض دو سوگیری هستند که قدرت پیش‌بینی را کاهش می‌دهد. اولاً این که مطلوبیت اجتماعی می‌تواند بر این پاسخ‌ها تأثیر بگذارد و ثانیاً ممکن است فرد دسترسی آگاهانه به تصورات قالبی خود را نداشته باشد. درحالی‌که این تصورات قالبی ناهشیار در رفتارهای او تأثیرگذار است (کارپینسکی و هیلتون، ۲۰۰۱: ۷۸۳). در واقع به‌رغم این‌که پرسشنامه‌ها از رایج‌ترین ابزارهای سنجش سازه‌های مختلف در روان‌شناسی است، استفاده از دسته‌ی دیگری از روش‌ها، موسوم به روش‌های غیرمستقیم، در سالیان اخیر گسترش یافته است که این روش‌ها نه فقط نیازمند گزارش شخصی یا درون‌نگری نیستند، بلکه حتی پاسخ‌گوینده را آگاه نمی‌کنند که در واقع چه چیزی اندازه‌گیری می‌شود (استیر و هیشناو، ۲۰۰۷: ۱۰۸). به همین دلیل این روش‌ها برخلاف روش‌های خود گزارش‌دهی معمول در روان‌شناسی اجتماعی (موسوم به روش‌های مستقیم) از واکنش به موقعیت پژوهشی می‌کاهند و از دخالت آثار خودنمایش‌گری و آگاهی از مورد ارزیابی قرارگرفتن جلوگیری می‌کنند (گربنوالد و بناجی، ۱۹۹۵: ۱۳؛ لوز، نون، رابینسون و ویگل، ۲۰۱۵: ۳۴۳). با توجه به این‌که مطالعات انجام شده در مورد اندازه‌گیری هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در جمعیت ایرانی تاکنون صرفاً با استفاده از روش‌های مستقیم و پرسشنامه صورت گرفته است، مطالعه‌ی حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی آزمون تداعی ضمنی (IAT)^۱ برای اندازه‌گیری هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن انجام شده است.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- آیا بین شاخص‌های ضمنی سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن و زیرمقیاس‌های افسردگی، اضطراب و تنیدگی همبستگی و رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین شاخص‌های ضمنی (آزمون IAT) و آشکار (پرسشنامه‌ها) سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن همبستگی و رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا آزمون تداعی ضمنی (IAT) مربوط به سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن از پایایی مناسبی برخوردار است؟

1 Implicit Association Test (IAT)



چارچوب نظری تحقیق گفتمان هویت در فرهنگ ایرانی

یکی از مباحثات جدی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در عرصه‌ای پهن دامنه از فرهنگ تا سیاست در جریان بوده، مسأله و موضوع هویت است. این مباحث با توجه به زمینه‌های عینی و آبخورهای نظری مشروط‌کننده خود، در نهایت بر پایه‌ی نظریه‌ی هویت مابعدتجددی، نوعی نظریه یا گفتمان‌های هویتی را عرضه داشتند (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۰). مروری بر ادبیات پژوهشی مرتبط در این زمینه نشان می‌دهد که مطالعات معدودی به بررسی تجربی سازمان‌یافتگی هویت در شخصیت ایرانی پرداخته‌اند و مطالعاتی که به کاوش پیرامون نوع این سازمان‌یافتگی مبادرت ورزیده‌اند (به‌عنوان نمونه، حاتمی، ۱۳۹۰) در ابتدای راه خود قرار دارند.

جامعه‌ی ایرانی در قرن بیستم تصویری از هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت مدرن است. هویت اسلامی که با ورود اسلام و گسترش تمدن اسلامی شکل گرفته است و با گرایش به توحید و یکتاپرستی همراه است و زنده‌ترین بخش هویت است. هویت ملی و ایرانی، تعلق افراد به یک سرزمین و تاریخ را بیان می‌کند که ریشه‌ای طولانی مدت دارد سومین پوشش هویتی در فرهنگ ایرانی، هویت مدرن است که با ورود عناصر زندگی غربی از طریق گسترش وسایل ارتباطی و آسان شدن ارتباطات فرهنگی در دوران مشروطیت به بعد شکل گرفته است (شایگان، ۱۳۸۰: ۸۴).

میان هویت ایرانی و هویت اصلی یا هویت اسلامی منازعه‌ای کم و بیش پنهان در عرصه‌ی تاریخ ملی ایرانیان وجود داشته است. اما این دو هویت در سطح متافیزیکی و مفهومی با یکدیگر سازگارند. این در حالی است که گذار از هویت اسلامی به هویت مدرن با موانع متعددی روبه‌رو است (شایگان، ۱۳۸۰: ۸۸). در واقع با گسترش رسانه‌های الکترونیکی و شبکه‌های ماهواره‌ای، ارتباط جامعه‌ی ایرانی با فرهنگ‌های دیگر بیشتر شد و جامعه‌ی جوان ایران در معرض جهان ناهمگون جدیدی قرار گرفت. اما با وجود گسترش این ارتباطات، به نظر می‌رسد که هویت‌های اسلامی و ایرانی هنوز قدرتمندترین ارکان هویتی در ساختار شخصیت ایرانی، چه در نسل جوان و چه در نسل بزرگسال باشد. این پیامد آرمش‌بخش موجب شده است رویکرد جدیدی برای مواجهه با فرهنگ‌های بیگانه اتخاذ شود. رویکردی که بیشتر متکی بر ابراز وجود است تا نفی خویشتن. بنابراین جامعه‌ی ایرانی تقریباً توانسته است بین هویت‌های سنتی خود با هویت مدرنش نوعی سازگاری ایجاد کند. نسل جدید ایران بین هویت‌های سه‌گانه‌ی

خود نوعی همزیستی ایجاد کرده است. جوان عصر جدید ایرانی در آیین‌های مذهبی شرکت می‌کند، به هویت ملی و مفاخر ادبی، نظامی و هنری سرزمین خود علاقمند است، اما به آثار هنری و سبک زندگی مدرن غیرایرانی نیز علاقه نشان می‌دهد (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۰۳). به این ترتیب سه هویت ایرانی، دینی و مدرن هر یک در دل دیگری جای گرفته‌اند و مناطق تداخلی ایجاد کرده‌اند که هر دم پیچیده‌تر می‌شود و قلمروهایی که هر یک در آن دخل و تصرف می‌کنند (حاتمی، ۱۳۹۰: ۹۴).

شیوه‌های اندازه‌گیری آشکار و ضمنی هویت

تاریخچه‌ی ورود مفهوم هویت به‌عنوان یک متغیر قابل سنجش در مباحث روان‌شناختی و روان‌سنجی با نظریه‌های «خود» در روان‌شناسی گره خورده است. در واقع یکی از مفاهیمی که قرابت جوهری و ذاتی با مفهوم هویت دارد، مفهوم «خود» است. جامعه‌شناسان و متفکران پست‌مدرن به مسأله‌ی خود توجه نشان داده‌اند. بین دیدگاه این متفکران و روان‌شناسان اجتماعی جدید همسویی وجود دارد. برای این متفکران جنبه‌ی اجتماعی خود مطرح است. آن‌ها برای توصیف خود از مفهوم هویت استفاده می‌کنند (حاتمی، ۱۳۸۷: ۸۹). مطالعه‌ی خود و هویت در حیطه‌ی مباحث روان‌شناختی از دو سنت پیروی می‌کند. یکی بر روی شکل‌گیری هویت در طول انتقال به بزرگسالی تأکید دارد و دیگری روی فرایندهای نگه‌داری خود متمرکز است. اگرچه این دو رویکرد در بسیاری از موارد همپوشی دارند لیکن مطالعه‌ی شکل‌گیری هویت در چهارچوب روان‌شناسی تحولی قرار می‌گیرد و در مقابل مطالعه‌ی خود به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های روان‌شناسی اجتماعی محسوب شده که به‌عنوان روان‌شناسی خود معرفی می‌شود (حاتمی، ۱۳۹۰: ۳۶).

در پیوند با تئوری‌های مطرح شده پیرامون مفهوم خود و هویت، این سازه به‌عنوان یک متغیر کمی و قابل سنجش در مباحث روان‌سنجی مطرح شده است؛ چنان‌که هر یک از نظریه‌پردازان در زمینه‌های موضوعی مربوط به خود به تدوین الگوهای خودسنجی از اشکال مختلف مفاهیم هویتی در قالب پرسشنامه اقدام کرده‌اند (به‌عنوان نمونه، بیشاب و همکاران، ۲۰۰۵؛ بارتیکوفسکی و والش، ۲۰۱۵؛ قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹؛ حاتمی، ۱۳۹۰؛ نجات، ۱۳۹۰). هم‌چنین تلاش‌هایی مشابه توسط عده‌ای از متخصصین صاحب‌نظر در حیطه‌ی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌سنجی برای سنجش اشکال سه‌گانه‌ی هویت در فرهنگ ایرانی انجام شده است. یکی از نمودهای مهم این اقدام تدوین ابزار خودسنجی ارزیابی هویت ایرانی، اسلامی و مدرن در قالب پرسشنامه است



(به‌عنوان نمونه، رحیمی‌نژاد و منصور، ۱۳۸۰؛ حاتمی، ۱۳۹۰). اما تحقیقات اخیر در حوزه‌ی شناخت اجتماعی بر این نکته تأکید دارند که پردازش اطلاعات اجتماعی در دو سطح کنترل شده و آشکار (هشیارانه و تحت کنترل و تعمّدی) و خودکار و ضمنی (ناهشیار و خودکار و شهودی) صورت می‌گیرد.

مسائل مورد سنجش روش‌های مستقیم یا پرسشنامه‌ها، به حوزه‌ی آشکار شناخت تعلق دارد. در مقابل روش‌های غیرمستقیم، دسترسی به حوزه‌ی ضمنی شناخت را فراهم می‌کنند. در مطالعات شناخت اجتماعی این دو حوزه‌ی شناخت از یکدیگر متمایز شده‌اند. شناخت ضمنی آن بخش از ساختار روانی است که علی‌رغم اثرگذاری بر پاسخ‌های اجتماعی افراد، در دسترس خودآگاهی فرد نیست و یا فرد علاقه‌ای به ابراز آشکار آن ندارد (نجات و حاتمی، ۱۳۹۱: ۷۷). گرینوالد و بناجی (۱۹۹۵: ۱۳) ادعا می‌کنند علی‌رغم این‌که به نظر می‌رسد رفتار اجتماعی افراد تحت کنترل آگاهانه‌ی آن‌ها باشد، لیکن حجم عمده‌ی شناخت‌های مرتبط با این رفتارها در حالت یا وضعیت ضمنی کار می‌کنند. این مؤلفان در تعریف خود از شناخت ضمنی معتقدند که، مشخصه‌ی شناخت ضمنی این است که ردهایی از تجربه‌ی گذشته، عملکرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به‌رغم این‌که تجربه‌ی مذکور به معنای معمول یادآوری نمی‌شود. به عبارت دیگر، در دسترس خود گزارش‌دهی یا درون‌نگری نیست. ایشان هم‌چنین نسخه‌ی ضمنی یک سازه‌ی خاص - مثلاً نگرش یا تصور قالبی - را ردهایی از تجربه‌ی گذشته می‌دانند که از طریق درون‌نگری غیرقابل تشخیص (یا قابل تشخیص به طور نادقیق) بوده و بر پاسخ فرضی R تأثیر می‌گذارد. بنابراین به نظر می‌رسد عنصر محوری در این تعریف‌ها نوعی عدم آگاهی یا ناهشیاری نسبت به ریشه‌های واقعی رفتار باشد. در این جا، روش‌هایی که امکان دسترسی به شناخت ضمنی را فراهم می‌کنند از دو جهت ارزشمند شمرده شده‌اند. اولاً از بابت تجربی (روش شناختی) در مطالعات حوزه‌ی روان‌شناسی اجتماعی غنیمت هستند؛ چرا که این روش‌ها (موسوم به روش‌های غیرمستقیم) نه تنها نیازمند گزارش شخصی یا درون‌نگری نیستند، بلکه حتی آزمودنی را با خبر نمی‌سازند که در واقع چه چیز در حال اندازه‌گیری است. به همین دلیل، این روش‌ها برخلاف روش‌های خودگزارش‌دهی معمول در روان‌شناسی اجتماعی (موسوم به روش‌های مستقیم یا همان غالباً پرسشنامه‌ها) واکنش نسبت به موقعیت پژوهشی را کاهش می‌دهند و از دخالت اثرات ناشی از خودنمایش‌گری، نظیر

آگاهی از مورد ارزیابی قرار گرفتن جلوگیری می‌کنند. بعد دوم ارزشمندی این روش‌ها، استفاده از آن‌ها در تحقیقاتی است که به منظور نظریه‌سازی در مورد خود شناخت ضمنی استفاده می‌شوند (ملکی، ۱۳۹۰: ۴۶). تحقیقات مربوط به حافظه‌ی ضمنی که توسط روان‌شناسان شناختی انجام می‌شود و قدمتی طولانی دارد، به این بعد مربوط می‌شوند و روش‌ها و مفاهیمی که در رابطه با شناخت ضمنی در حوزه‌ی اجتماعی استفاده می‌شوند، اساساً از این حوزه وام گرفته شده‌اند (فازیو و اولسون، ۲۰۰۳: ۳۰۴).

بر این اساس به نظر می‌رسد که در کنار سنجش و ارزیابی هویت به‌عنوان یک پدیده‌ی کنترل شده با استفاده از ابزارهای خود گزارش‌دهی و پرسشنامه، که نمونه‌هایی از آن نیز جهت سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در فرهنگ ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است، می‌توان از ابزارهای ضمنی مورد استفاده در حوزه‌ی شناخت اجتماعی استفاده کرد، آزمون‌هایی مثل آزمون تداعی ضمنی (IAT). بر این اساس هدف از انجام این مطالعه ساخت و اعتباریابی آزمون تداعی ضمنی (IAT) برای سنجش هویت اسلامی، ایرانی و مدرن در فرهنگ ایرانی است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

نگرش ضمنی: عبارت است از تأثیر نگرش خودی که به‌صورت درون‌گرایانه و خارج از سطح هشیاری در ارزیابی مسائل مربوط به خود در مقابل ارزیابی او از مسائل مجزای از خود (گرینوالد و بناجی، ۱۹۹۵: ۱۱).

نگرش آشکار: عبارت است از برداشت و ارزیابی آشکار و هشیارانه نسبت به تعلق به جامعه، گروه یا طیف فکری خاص که در ابراز مستقیم نمایان می‌شود (گرینوالد و بناجی، ۱۹۹۵: ۱۰).

هویت: مجموعه‌ی ویژگی‌ها، شناسه‌ها و الگوهای رفتاری اکتسابی که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌سازد (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

هویت اسلامی: میزان برخورداری از تعالیم اسلامی مشترک و التزام عملی در پایبندی به اعتقادات آن‌که همواره با یک جهان‌بینی خاص همراه است (معمار، ۱۳۷۸: ۳۴).

هویت ایرانی: احساس تعلق به جامعه‌ای از یک نوع ایرانی‌ت کلی در موقعیت جغرافیایی مشخص و همراه با آگاهی مشترک نسبت به سابقه و تاریخ آن جامعه که همواره با احساس غرور و وفاداری همراه است (معمار، ۱۳۷۸: ۴۳).



هویت مدرن: هویتی که در عصر جدید و با اقتباس از الگوی جدید زندگی در کشورهای صنعتی شکل گرفته، که همراه است با ویژگی‌های مادی‌گرایی و غیرروحانی (حاتمی، ۱۳۸۸: ۸۹).

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین شاخص‌های ضمنی سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن و زیرمقیاس‌های افسردگی، اضطراب و تنیدگی همبستگی وجود دارد.
- ۲- بین شاخص‌های ضمنی (آزمون IAT) و آشکار (پرسشنامه‌ها) سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن همبستگی وجود دارد.
- ۳- آزمون تداعی ضمنی (IAT) مربوط به سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن از پایایی مناسبی برخوردار است.

روش تحقیق

طرح تحقیق این مطالعه‌ی بنیادی از نوع علی مقایسه‌ای بوده است. روش تحقیق از نوع پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه‌های هویت اسلامی، ایرانی و مدرن و هم‌چنین آزمون تداعی ضمنی (IAT) سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن که به شیوه‌ی رایانه‌ای اجرا شد.

جامعه‌ی نمونه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر در سال ۱۳۹۳ و در دو مرحله انجام شد. جامعه‌ی آماری این مطالعه کلیه‌ی دانشجویان ۱۹ تا ۳۰ ساله‌ی دانشگاه‌های آزاد و دولتی شهر تهران بودند که در مرحله‌ی نخست این پژوهش، جهت رواسازی آزمون تداعی ضمنی، ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی (۵۰ دختر و ۵۰ پسر با میانگین سنی ۲۳/۷۰ و انحراف استاندارد ۳/۳۳) در این پژوهش شرکت کردند. در مرحله‌ی دوم نیز ۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های سطح شهر تهران (۳۰ دختر و ۵۰ پسر با میانگین سنی ۲۲/۱۰ و انحراف استاندارد ۳/۳۱) به نسخه‌ی تهیه شده‌ی آزمون تداعی ضمنی (IAT) پاسخ دادند. روش انتخاب نمونه در هر دو مرحله به شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس بود.

ابزارهای تحقیق

آزمون تداعی ضمنی (IAT): این آزمون، آزمونی رایانه‌ای است که برای بررسی

نگرش‌های ضمنی نسبت به موضوعات گسترده‌ای به کار رفته است. در بنیان نظری آزمون تداعی ضمنی، ذهن انسان شبکه‌ای فرض می‌شود که مفاهیم مختلف دنیای اجتماعی گره‌های آن را تشکیل می‌دهند. بین هر جفت از این گره‌ها یا مفاهیم، پیوندها و ارتباطاتی وجود دارد که قوت متفاوتی دارند. این پیوندها نماینده‌ی سازه‌های مختلف شناخت اجتماعی هستند. مطالعات متعددی روایی این آزمون را بررسی و مورد تأیید قرار داده‌اند (نجات و حاتمی، ۱۳۹۱: ۸۱). در آزمون تداعی ضمنی، نگرش ضمنی از طریق بررسی تفاوت در زمان‌های واکنش سنجیده می‌شود. برای اجرای این آزمون ابتدا صفات شناسنامه‌ای شرکت‌کننده، همراه با واژگانی که نماینده موضوع مورد سنجش است وارد رایانه و سپس آزمون اجرا می‌شود. آزمون نگرش ضمنی شامل ۷ مرحله کوتاه است که ۵ مرحله آن تمرینی و دو مرحله اصلی است. تفاوت زمان واکنش بین مرحله چهارم و هفتم به‌عنوان شاخصی از نگرش ضمنی فرد در نظر گرفته می‌شود.

واژه‌های مورد استفاده در آزمون تداعی ضمنی: برای بدست آوردن نگرش

ضمنی، نیاز به کلماتی داشتیم که نماینده سه هویت ملی، مذهبی و مدرن باشند. برای این کار تعدادی کلمات از فرهنگ لغت استخراج شد که بتواند برای هویت‌های سه‌گانه استفاده شود. پس از استخراج کلمات، آن‌ها به‌صورت یک پرسشنامه تدوین شدند و همان‌طور که کلمات ارائه می‌شد، از افراد می‌خواستند تشخیص دهند که این کلمه چقدر نماینده یک هویت است. ارزیابی به این گونه بود که در مقابل هر کلمه یک طیف لیکرتی از یک (کمترین همخوانی) تا ده (بیشترین همخوانی) قرار داشت و افراد تعیین می‌کردند که این کلمه چقدر نماینده هویت خاصی است. نتایج از طریق مقیاس لیکرت به دست آمده است. با این روش ما سه دسته کلمه داریم که نماینده سه هویت هستند. نسخه‌ی نهایی تهیه شده نیز مورد اعتباریابی قرار گرفت.

مقیاس افسردگی، اضطراب و تنیدگی (DASS-21): این مقیاس به منظور تعریف و

اندازه‌گیری سازه‌های اضطراب و افسردگی، مقیاس افسردگی، اضطراب و تنیدگی (DASS-21) ساخته شده است. این مقیاس دربردارنده‌ی سه زیرمقیاس خودسنجی است که برای اندازه‌گیری حالات هیجانی منفی شامل افسردگی، اضطراب و تنیدگی طراحی شده است. از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا با استفاده از یک مقیاس پنج درجه میزان تجربه‌ی حالات مختلف طی هفته‌ی گذشته را مشخص کنند. مطالعات متعدد شواهد گوناگونی دال بر پایایی و روایی قابل قبول این آزمون ارائه کرده‌اند (به نقل از



ملکی، ۱۳۹۰: ۶۳). صاحبی، سالاری و اصغری (۱۳۸۴) این آزمون را در نمونه ایرانی هنجاریابی کردند. پایایی این مقیاس در مطالعه‌ی مذکور از طریق همسانی درونی و روایی آن با استفاده از تحلیل عاملی و روایی ملاک با اجرای هم‌زمان آزمون‌های افسردگی بک، اضطراب زورنگ و تنیدگی ادراک‌شده تأیید شده است. همسانی درونی زیرمقیاس‌های DASS-21 با استفاده از آلفای کرونباخ چنین گزارش شده است: مقیاس افسردگی ۰/۷۷، مقیاس اضطراب ۰/۷۹ و مقیاس تنیدگی ۰/۷۸.

پرسشنامه‌ی هویت اسلامی: این پرسشنامه با طرح گویه‌هایی براساس مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت دینی و اسلامی در فرهنگ ایرانی دارای ۳۲ سؤال برای سنجش هویت اسلامی است. نحوه‌ی نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سؤال پنج گزینه با عناوین «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» قرار دارد. نحوه‌ی محاسبه‌ی آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. مقیاس اخیر پس از مطالعه‌ی تحلیل عاملی توسط رحیمی‌نژاد و احمدی از جهت روایی سازه مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌های مربوط به اعتبار این مقیاس در پژوهش رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰) نیز تأیید شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۹۹ به دست آمده است.

پرسشنامه‌ی هویت ایرانی: این پرسشنامه با طرح گویه‌هایی براساس مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی و ایرانی در فرهنگ ایرانی شامل ۱۴ سؤال برای سنجش هویت ایرانی است. نحوه‌ی نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سؤال ۵ گزینه با عناوین «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» قرار دارد. نحوه‌ی محاسبه‌ی آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. مقیاس ۱۴ سؤالی اخیر از مطالعه‌ی تحلیل عاملی توسط رحیمی‌نژاد و احمدی (۱۳۷۴) از جهت روایی سازه مورد تأیید قرار گرفته است. هم‌چنین ضریب آلفای کرونباخ هویت ایرانی و ملی در پژوهش رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰) ۰/۹۵ به دست آمده است.

پرسشنامه‌ی هویت مدرن: این پرسشنامه با طرح گویه‌هایی براساس مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت مدرن شامل ۳۱ سؤال است که پنج خرده مقیاس دارد. این پنج خرده مقیاس شامل لیبرالیسم، استقلال فردی، ابزارهای ارتباطی، زندگی شهری و جهانی‌شدن است. نحوه‌ی نمره‌گذاری آن به این صورت است که در مقابل هر سؤال پنج گزینه با عناوین «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» قرار دارد. نحوه‌ی محاسبه‌ی آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. روایی و پایایی این مقیاس پس

از اجرا روی ۵۴۸ شرکت‌کننده بررسی و تعیین شده است (حاتمی، ۱۳۹۰). علاوه بر تحلیل عاملی، برای کسب اطمینان از روایی سازه‌ی مقیاس، روش شناخته‌شده‌ی محاسبه‌ی پایایی (از نوع آلفای کرونباخ) برای تعیین ضریب پایایی نیز استفاده شده است و میانگین پایایی برای هر خرده مقیاس محاسبه شده است. آزمون کی.ام.او (KMO) انجام شده نیز نشان داده که ضریب بدست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بود (برابر با ۰/۷۳۶). هم‌چنین آزمون کرویت بارتلت در سطح $P < ۰/۰۰۵$ معنادار بود (حاتمی، ۱۳۹۰).

یافته‌های تحقیق

در جدول ۱ و ۲، لیست واژگان انتخاب شده برای هر یک از اقسام سه‌گانه هویت یعنی اسلامی، ایرانی و مدرن که مطابق با نظر شرکت‌کنندگان بالاترین نمره را در معرف بودن اخذ کردند، ارائه شده است.

جدول ۱: واژگان انتخاب شده و میانگین همخوانی هر واژه با هویت مربوطه

واژگان هویت اسلامی	میانگین درجه همخوانی	واژگان هویت ایرانی	میانگین درجه همخوانی	واژگان هویت مدرن	میانگین درجه همخوانی
نماز	۹/۳۲	تخت جمشید	۸/۳۲	اینترنت	۸/۳۲
روزه	۸/۷۸	خلیج فارس	۹/۷۸	ماهواره	۸/۱۸
امام رضا(ع)	۹/۲۰	نوروز	۸/۷۶	موبایل	۹/۲۰
دعا	۸/۴۳	فرش	۸/۳۱	ایمیل	۹/۳۳
مسجد	۹/۸۹	دماوند	۹/۰۱	تکنولوژی	۸/۶۴
شهادت	۸/۷۶	شاهنامه	۹/۵۶	پیتزا	۹/۴۳
قرآن	۸/۶۴	زبان فارسی	۸/۸۸	دموکراسی	۸/۲۴

جدول ۲: واژگان انتخاب شده و میانگین افتراق هر واژه با هویت مربوطه

واژگان هویت غیراسلامی	میانگین درجه همخوانی	واژگان هویت غیر ایرانی	میانگین درجه همخوانی	واژگان هویت غیر مدرن	میانگین درجه همخوانی
میکده	۸/۶۷	هیمالیا	۸/۱۱	کدخدا	۹/۱۱
شهووت	۹/۱۲	اهرام مصر	۸/۱۸	طاقچه	۸/۴۸
نزول خواری	۹/۱۰	ذبی	۸/۱۶	چرتکه	۹/۶۰
عیاشی	۹/۳۳	شکسپیر	۸/۱۱	کوزه	۹/۱۴



۹/۱۴	کُرسی	۹/۳۳	زبان روسی	۹/۵۹	بت پرستی
۹/۵۶	مکتب‌خانه	۹/۲۳	کریسمس	۸/۹۹	رقاصی
۸/۱۴	چارقد	۸/۹۸	اورست	۸/۸۹	قماربازی

میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های شرکت‌کننده‌ها در آزمون نگرش ضمنی نسبت به هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: میانگین و انحراف استاندارد نگرش ضمنی به هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن

مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
هویت ایرانی	۰/۶۹	۰/۳۴
هویت اسلامی	۰/۸۹	۰/۳۳
هویت مدرن	۰/۵۱	۰/۲۵

به منظور بررسی سؤال اول تحقیق یعنی رابطه‌ی بین شاخص‌های ضمنی (آزمون IAT) و آشکار سنجش (پرسشنامه‌های هویت اسلامی، ایرانی و مدرن) هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول شماره ۴: همبستگی بین هویت اسلامی، ایرانی و مدرن در نگرش آشکار و ضمنی

مدرن آشکار	دینی آشکار	ملی آشکار	مدرن ضمنی	دینی ضمنی	ملی ضمنی	
					۱	ایرانی ضمنی
				۱	۰/۴۰**	اسلامی ضمنی
			۱	۰/۳۱۳*	۰/۲۳	مدرن ضمنی
		۱	-۰/۰۴۰	-۰/۰۷۴	-۰/۰۴۲	ایرانی آشکار
	۱	۰/۲۶۷*	-۰/۰۸۵	۰/۳۳۴**	۰/۰۷۹	اسلامی آشکار
۱	-۰/۴۸۰**	-۰/۲۳۲	-۰/۰۲۸	-۰/۱۲۴	۰/۰۲۵	مدرن آشکار

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ و * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ است.

هم‌چنان‌که نتایج حاصل از جدول شماره‌ی ۴ نشان می‌دهد ضرایب همبستگی هویت اسلامی و ایرانی در سطح ضمنی، هویت اسلامی در سطح آشکار و ضمنی در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنادار است و هم‌چنین ضریب همبستگی بین هویت اسلامی و هویت مدرن نیز در سطح نگرش آشکار در ارزش ۰/۰۱ اما به‌صورت منفی معنادار است. علاوه بر این هم‌چنان‌که نتایج نشان می‌دهد ضرایب همبستگی بین هویت اسلامی و هویت مدرن در سطح ضمنی، و همبستگی بین هویت اسلامی و ایرانی در سطح آشکار در سطح ۰/۰۵ مثبت و معنادار بوده است. سایر ضرایب همبستگی با توجه به آنچه در جدول شماره‌ی ۴ مشاهده می‌شود، معنادار نبوده است.

به منظور بررسی سؤال دوم تحقیق یعنی رابطه‌ی بین شاخص‌های ضمنی سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن و زیرمقیاس‌های افسردگی، اضطراب و تنیدگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول شماره‌ی ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص‌های هویتی آزمون تداعی ضمنی و زیرمقیاس‌های افسردگی، اضطراب و تنیدگی

اقسام هویت	افسردگی	اضطراب	تنیدگی
هویت اسلامی	-۰/۳۵**	-۰/۲۶**	-۰/۳۴**
هویت ایرانی	۰/۲۵	-۰/۲۲**	۰/۱۶
هویت مدرن	۰/۲۵**	۰/۲۲**	۰/۱۶

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ و * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ است.

هم‌چنان‌که نتایج حاصل از جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد، شاخص ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش هویت اسلامی با خرده‌مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و تنیدگی در سطح ۰/۰۱ منفی و معنادار است؛ به‌عبارت دیگر این نتایج نشان می‌دهد که نمره‌ی بیشتر افراد در این قسم از گرایش هویتی یعنی هویت اسلامی با افسردگی، اضطراب و تنیدگی پایین‌تر همبسته است. علاوه بر این با توجه به نتایج جدول شماره‌ی ۵ می‌توان شاهد بود که رابطه‌ی پیشین در زمینه‌ی هویت ایرانی و میزان اضطراب نیز صادق است. مضاف بر موارد اشاره شده، نتایج جدول شماره‌ی ۷ نشان می‌دهد که شاخص ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش هویت مدرن با خرده‌مقیاس‌های افسردگی و اضطراب در سطح ۰/۰۵ مثبت و معنادار است؛ به‌عبارت دیگر این نتایج نشان می‌دهد که نمره‌ی بیشتر افراد در این قسم از گرایش هویتی یعنی هویت مدرن با افسردگی و اضطراب بالاتر همبسته است.



به منظور بررسی سؤال سوم تحقیق یعنی پایایی آزمون تداعی ضمنی نیز از آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول شماره ۶: ضرایب پایایی هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در آزمون تداعی ضمنی

ضریب تنصیف	آلفای کرونباخ	شاخص‌ها
		هویت‌ها
۰/۸۷	۰/۸۶	هویت اسلامی
۰/۸۴	۰/۸۲	هویت ایرانی
۰/۷۹	۰/۸۰	هویت مدرن

هم‌چنان‌که در جدول ۶ مشاهده می‌شود اکثر ضرایب پایایی آزمون نزدیک و بالاتر از ۰/۸۰ و در حد قابل قبولی است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی یک آزمون نگرش ضمنی جهت اندازه‌گیری هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در فرهنگ ایرانی بوده است؛ مطالعه‌ای که لزوم انجام آن با توجه به انگشت‌شمار بودن موارد مشابه با آن در کشورمان بیش از پیش احساس می‌شود. در بنیان نظری آزمون تداعی ضمنی، ذهن انسان شبکه‌ای فرض می‌شود که مفاهیم مختلف دنیای اجتماعی گره‌های آن را تشکیل می‌دهند. بین هر جفت از این گره‌ها یا مفاهیم، پیوندها و ارتباطاتی وجود دارد که قوت متفاوتی دارند. این پیوندها نماینده‌ی سازه‌های مختلف شناخت اجتماعی هستند (نجات و حاتمی، ۱۳۹۱).

به منظور بررسی پایایی آزمون ساخته شده از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف استفاده شد. هم‌چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد تقریباً در تمام اقسام هویتی مورد سنجش ضرایب پایایی بالا بوده که این امر حاکی از همسانی درونی بالای آزمون مورد نظر است. هر چه آزمون انسجام درونی بیشتری داشته باشد، نمرات به دست آمده از شرکت‌کنندگان اعتبار بیشتری خواهد داشت. بالا بودن ضرایب پایایی نشان‌دهنده‌ی این است که استفاده از میانگین زمان واکنش شاخص مناسبی برای بررسی جهت‌گیری هویتی شرکت‌کنندگان است. این نتایج با یافته‌های حاصل از مطالعاتی که آزمون تداعی ضمنی را در حوزه‌ی حرمت خود (حمزوی عابدی، ۱۳۸۸) و هویت جنسی (نجات،

(۱۳۹۰) به کار برده‌اند، همسو است. بررسی رابطه‌ی بین زیرمقیاس‌های DASS-21 و شاخص‌های هویتی مورد سنجش در شرکت‌کنندگان این مطالعه نشان داد که بین برخی از زیرمقیاس‌های DASS-21 و شاخص‌های هویتی مورد سنجش رابطه منفی معناداری وجود دارد. این رابطه‌ی همبستگی منفی معنادار می‌تواند نماینده‌ی روایی واگرایی مناسب آزمون ساخته شده باشد. هم‌چنان‌که همبستگی شاخص‌های هویتی مورد سنجش در آزمون تداعی ضمنی با شاخص‌های قرین مورد سنجش در پرسشنامه‌هایی که این اقسام هویتی را مورد سنجش قرار می‌دهند حاکی از روایی همگرایی مناسب این آزمون است. هم‌چنان‌که ادبیات پژوهشی مربوطه نشان می‌دهد، پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان به ابزارهای عینی تحت تأثیر برخی نیروها قرار می‌گیرد. ابزارهای ضمنی کمتر از طریق این نیروها تحریف می‌شوند. تصور بر آن است که این ابزارها با بکارگیری کمترین منابع توجهی و به نحو کارآمدتر عمل می‌کنند. ابزارهای خودگزارش‌دهی تنها نتیجه‌ی نهایی فرآیندهای پردازش اطلاعات و نه خود این فرایندها را پوشش می‌دهند (ملکی، ۱۳۹۱). فرآیند توجهی و رفتاری از عملکرد یک شرکت‌کننده در پارادایم‌های آزمایشی‌ای که برای اندازه‌گیری فرآیندهای خودکار مرتبط با هویت مناسب‌تراند، استنباط می‌شود. درحالی‌که مطالعات پیشین اغلب بر روش‌های آشکار (پرسشنامه‌ها) سنجش هویت متکی بوده‌اند، در مطالعه‌ی حاضر سعی بر آن بود که از ابزاری متفاوت استفاده شود که در آن از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که آگاهانه به صفحه‌ی نمایشگر رایانه نگاه کنند و در یک موقعیت خاص پاسخ‌های خویش را ارائه کنند. روشن است که هنگام استفاده از روش‌های آماده‌سازی زیرآستانه‌ای، شرکت‌کنندگان از روند پردازش اطلاعات آگاه نیستند. اما استفاده از یک تکلیف دیداری آشکار، مستلزم بازتاب هشیارانه است که احتمالاً با پردازش سرخ‌های مرتبط با هویت تداخل می‌کند. با این حال فعالیت و اثرات آن هنوز می‌تواند خودکار باشد چون واکنش به آن به نحو مؤثر و در غیاب قصد، آگاهی و کنترل هشیارانه رخ می‌دهد. نکته دوم این‌که، مواردی که پیشتر ارائه شد ممکن است این تصور را به وجود آورد که ابزارهای خودگزارش‌دهی نمی‌توانند اطلاعاتی با روایی بالا پیرامون مفاهیم مرتبط با هویت فراهم آورند. اما باید بر این نکته تأکید کرد که فرآیندها و بازنمایی‌های آشکار و ضمنی، هر دو در نظم‌بخشی نظام هویتی فرد نقش دارند، برای مطالعه‌ی پویایی‌های مربوط به هویت هم به ابزارهای مستقیم (عینی) و هم غیرمستقیم (ضمنی) نیاز است.



در مجموع به نظر می‌رسد که با توجه به روایی واژگان مورد استفاده و شاخص‌های پایایی نسبتاً بالای ابزار ساخته شده، می‌توان داعیه‌ی آن را داشت که آزمون مورد مطالعه قابلیت استفاده برای اندازه‌گیری ابعاد خودکار هویت را داراست.

علاوه بر تفسیر ارائه شده در مورد ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون ساخته شده، نکته‌ی دیگری که قابل تأمل است، گرایش‌های هویتی نمونه‌ی دانشجویی این مطالعه در سه بعد هویت اسلامی، ایرانی و مدرن است. نتایج نشان می‌دهد که نمرات هویت مدرن همسو با نمرات هویت اسلامی و ایرانی بالا بوده است. در تفسیر نتایج این بخش شاید بتوان استعاره‌ی شخصیت موزاییکی را در توصیف ساختار جدید شخصیت نسل جوان ایرانی در عصر جدید به کار برد و می‌توان این ساختار را در مقابل ساختار سلسله‌مراتبی و متحدالمرکز در نسل گذشته قرار داد (حاتمی، ۱۳۸۷: ۹۲). در شخصیت متحدالمرکز و یکپارچه شخصیت هر فرد براساس ویژگی مهم و کلی‌اش تعیین می‌شود و سایر ویژگی‌های او تابع ویژگی اصلی است. در این نوع سازمان‌یافتگی فرد نمی‌تواند در یک زمان هم مذهبی و هم به موسیقی غربی علاقمند باشد. اما در شخصیت موزاییکی نمی‌توان داوری کلی در مورد یک شخص انجام داد. رفتار او از یک نظام منسجم که یک روح کلی بر آن حاکم است تبعیت نمی‌کند. فرد خود را آزاد می‌داند در موقعیت‌های متفاوت براساس جنبه‌های مختلف شخصیت خود عمل کند. او مذهبی است، پس در مراسم و آیین‌های مذهبی شرکت می‌کند. در موقعیت دیگر او از شنیدن یک موسیقی پاپ که از نظر پدران او ممنوع است، لذت می‌برد. او رفتار دوم را مستقل از جنبه‌ی قبلی شخصیت خود می‌داند. او هم مذهبی است و هم مدرن است. حالت دوزیستی حاصل از همزیستی هویت مدرن و سنتی ویژگی و شاید علامتی است که نسل جوان ایرانی را از انسان غربی متفاوت می‌کند (حاتمی، ۱۳۸۷: ۹۴).

مطابق با این تفسیر به‌رغم گسترش ارتباطات در جهان مدرن، هویت‌های اسلامی و ایرانی هنوز هم در ساختار شخصیتی نسل جوان ایرانی به مثابه‌ی نسل بزرگسال آن قدرتمند است. بنابراین به نظر می‌رسد که جامعه‌ی ایرانی تقریباً توانسته است بین هویت‌های سنتی خود، یعنی هویت اسلامی و ایرانی، با هویت مدرن خویش نوعی سازگاری ایجاد کند. این سازگاری و هم‌آهنگی بین هویت‌های اسلامی و ایرانی با هویت مدرن آسیب جدی به آن‌ها وارد نکرده است. در واقع به نظر می‌رسد که نسل جوان بین هویت‌های سه‌گانه‌ی خود نوعی همزیستی ایجاد کرده است.

منابع

- حاتمی، امیرجلال (۱۳۹۰): *سازمان یافتگی شخصیت از منظر هویت های ملی، مذهبی و مدرن در دو نسل*، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- حاتمی، جواد (۱۳۸۷): *خویش - تن*، تهران: تبلور.
- حمزوی عابد، فاطمه (۱۳۸۸): *بررسی انگ به خود و تهدید موقعیتی بر عزت نفس آشکار و ضمنی بیماران مبتلا به اختلال دوقطبی*، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- رحیمی نژاد، عباس؛ منصور، محمود (۱۳۸۰): *بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، س ۱۱، ش ۴۷، صص ۴۷-۵۰۰.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰): *افسون زندگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار*، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: پژوهش فرزانه روز.
- صاحبی، علی؛ اصغری، محمدجواد؛ سالاری، راضیه سادات (۱۳۸۴): *اعتباریابی مقیاس افسردگی اضطراب تنیدگی برای جمعیت ایرانی*، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، س ۴، ش ۱۶، صص ۴۹-۳۱.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷): *«معضله یا بحران هویت؟ بررسی و نقد گفتمان‌های هویتی التقاطی یا ترکیبی»*، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، س ۱، ش ۳، صص ۱۶-۷.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷): *«نسل‌های ایکس، وای و زد و سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران»*، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، س ۱، ش ۴، صص ۸۴-۶۵.
- ملکی، قیصر (۱۳۹۰): *بررسی توجه انتخابی نسبت به تصاویر مرتبط با دلبستگی: مطالعه‌ای بر مبنای پارادایم دات پروب*، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- ناظمی، مهدی (۱۳۸۹): *«هویت اسلامی ایرانی انقلابی و توسعه»*، *مجله راهبرد*، س ۳، ش ۱۲، ۲۴، ۴۰-۷.
- نجات، پگاه (۱۳۹۰): *بررسی رابطه تصور قالبی و سازه‌های هویتی ضمنی و آشکار با هم و با شاخص‌های رفتاری در دانشجویان ریاضی - فنی و علوم انسانی در ایران*، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- نجات، پگاه؛ حاتمی، جواد (۱۳۹۱): *«بررسی آزمون تداعی ضمنی: مقایسه بین سازه‌ای و راهبردهای پاسخ‌دهی آزمودنی‌ها»*، *تازه‌های علوم شناختی*، س ۱۴، ش ۵۳، صص ۸۷-۷۵.
- Bartikowski, B., & Walsh, G. (2015); "Attitude toward cultural diversity: A test of identity-related antecedents and purchasing consequences", *Journal of Business Research*, 68(3), 526-533.
- Fazio, R. H., & Olson, M. A. (2003); "Implicit measures in social cognition research: Their meaning and use", *Annual Review of Psychology*, 54, 297-327.
- Greenwald, A. G., & benaj, M. R. (1995); "implication social cognition: attitudes, self-esteem, and stereotypes", *Psychological Review*, 102, 4-27.
- Karpininski, A. & Hilton, J. L. (2001); "Attitudes and Implicit Association Test", *Journal of personality and social psychology*, 5, 774-788.



- Lowes, S., Nunn, N., Robinson, J. A., & Weigel, J. (2015); "Understanding Ethnic Identity in Africa: Evidence from the Implicit Association Test" (IAT), *The American Economic Review*, 105(5), 340-345.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (2010); "Culture and self: a cycle of mutual constitution", *Perspective in Psychological Science*, 5, 420-430.
- Markus, H., Kitayama, S. (1991); "Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation", *Psychological Review*, 98, 224-236.
- Matsumoto, D. (2001); *The handbook of culture and psychology*, Oxford:, UK Oxford University Press.
- Matsumoto, D., & Juang, L. (2016); *Culture and psychology*, Nelson Education.
- *Psychological Review*, 98, 224-253.
- Stier, A., Hinshaw, S. P. (2007); "Explicit and Implicit stigma against individuals with mental illness", *Australian psychology*, 42, 106-117.